

بخوردی محمد بن مسعود گفت آن کس که خضار را بنیر دادی توانی که غسل
 هم بدی بد قرم دعا کرد چون اندکی برتند قدی بر عمل دیدند بر
 سر راه نهادند فرود آمدند و آن بنیر و غسل را با هم بخوردند
عبدالله بن ابی جعفر رحمه الله تعالى وی گفته است
 بقضا و تسطیغی در قیامت کشتی با شکست و موج باران است از قیامت
 در میان دریا پنج کس یا شش کس بودیم خدای تعالی هر یک را عداد
 برای هر یکی از ما یک برگ از آن سنگی رویا میداد که آنرا میخیزیم
 و بجای طعام و شراب می نشست تا آن وقت که کشتی نوارسید
 و ما را برداشت و بکناره برد **ایوب السخنی رحمه الله**
 از لشکری بصره بوده است قال الحسن البصری رحمه الله میخیزد
 اهل البصرة ایوب السخنی رحمه الله بعد از این زید گفته است که
 با ایوب سخنی در کوه حرا بودم مرا شکلی سخت در یافت چنانکه
 وی آنرا از بستره من فهم کرد گفتم ترا چه شد گفت مرا چنان شکلی
 در یافت که است که بر نفس خود تراغم گفتم هر چه بکنم پوینده غایب
 داشت گفتم آری مرا موکذ داد من هم سوکذ خوردم که تا زنده
 باشد با هیچ کس مگویم پای خود را بر کوه حرا زو آب بر جگرشید
 سیراب نگردم و مقداری با خود برداشتم و تا زنده بود با هیچ کس
 نگفتم **سلم بن بنان رحمه الله تعالى** وی بفرات
 چهل سال در صحبت انس بوده است رضی الله عنه همیشه روزه

ی در سن

بی داشت و در هر شب از روز یک ختم قرآن می کرد از جاعتی که در
 سخن تا بر قبر وی می گذشت اندر روایت کرده اند که می گفته اند چون
 نزد یک بقر سالمی رسیدم آواز قرائت قرآن می شنیدم روزی
 سالم از جید طوبی بر رسید که بهج تو رسیده است که کسی غیر از اینست
 در قبر خود نماز گذارد جید گفت فی سالم گفت خداوند آنرا کسی را
 اذن خواهد کرد که در قبر نماز گذارد سالم را اذن کن یکی از غفوات
 گفته است که والله الاذی لا اله الا هو که من سالم را در قبر نهادم
 و عید طوبی با من بود چون خشتها را بر لحد وی راست کردم ناگاه
 یک خشت زورفت دیدم که در نماز ایستاده است جید را گفتم
 که ای بیبی گفت فاش باش چون از دفن وی باز گشتم پیش
 دختر وی رفتم و گفتم عمل سالم نمود گفتم از وی چه مشاهده
 کردید آنچه مشاهده کرده بودیم گفتم کت پنجاه سال بود که وی
 قیام شب می کرد چون وقت صبحی شد در دعای گفت اللهم انک
 اعطیت اعدائک خلقک العلوة فی قبرک فاعطینها از کرم خدای
 تعالی فرمود که دعای وی را در کت **حسن بصری رحمه الله تعالى**
 وی از کبار تابعین است و لولسغنی بقیة خلافة عمر رضی الله عنه
 صد و بیست تن را از اصحاب رسول صلی الله علیه و سلم در یافت است
 و قبل نماز و فلین و الله اعلم و در ماه رجب وفات یافت است ستم
 عشر و ماه و هو این تسع و ثمانین سنه و ملاف گفته اند که کلام وی

در هر شب از روز یک ختم قرآن می کرد از جاعتی که در
 سخن تا بر قبر وی می گذشت اندر روایت کرده اند که می گفته اند چون
 نزد یک بقر سالمی رسیدم آواز قرائت قرآن می شنیدم روزی
 سالم از جید طوبی بر رسید که بهج تو رسیده است که کسی غیر از اینست
 در قبر خود نماز گذارد جید گفت فی سالم گفت خداوند آنرا کسی را
 اذن خواهد کرد که در قبر نماز گذارد سالم را اذن کن یکی از غفوات
 گفته است که والله الاذی لا اله الا هو که من سالم را در قبر نهادم
 و عید طوبی با من بود چون خشتها را بر لحد وی راست کردم ناگاه
 یک خشت زورفت دیدم که در نماز ایستاده است جید را گفتم
 که ای بیبی گفت فاش باش چون از دفن وی باز گشتم پیش
 دختر وی رفتم و گفتم عمل سالم نمود گفتم از وی چه مشاهده
 کردید آنچه مشاهده کرده بودیم گفتم کت پنجاه سال بود که وی
 قیام شب می کرد چون وقت صبحی شد در دعای گفت اللهم انک
 اعطیت اعدائک خلقک العلوة فی قبرک فاعطینها از کرم خدای
 تعالی فرمود که دعای وی را در کت **حسن بصری رحمه الله تعالى**
 وی از کبار تابعین است و لولسغنی بقیة خلافة عمر رضی الله عنه
 صد و بیست تن را از اصحاب رسول صلی الله علیه و سلم در یافت است
 و قبل نماز و فلین و الله اعلم و در ماه رجب وفات یافت است ستم
 عشر و ماه و هو این تسع و ثمانین سنه و ملاف گفته اند که کلام وی